

آزار و امداد

به بهانه استمداد وزیر جدید فرهنگ
از اهل هنر برای خروج ایران از انزوا



مهرداد خدیر
معاون سردبیر

مهمترین واژه در سخنان دیروز سیدعباس صالحی، وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت و در آیین معارفه خود و تودیع وزیر پیشین «انزوا» بود و چند بار هم بر آن تأکید کرد.

یک جا گفت: «دو بار سنگین بر دوش دولت پزشکیان است؛ یکی وفای ملی و دیگری خروج از انزوا و مقابله با ایران هراسی».

نوشت بعد هم تصریح کرد: «اسب تیزرو برای خارج ساختن ایران از انزوا فرهنگ و هنر است چراکه ایران را در جهان با فرهنگ و هنر می شناسند و با سعدی و حافظ و میناتور».

به این دو مرتبه هم بسنده نکرد و برای سومین بار باز بحث انزوا را پیش کشید و گفت: «نقش ایرانیان خارج از کشور را نباید نادیده انگاشت چراکه آنان پلی میانجی میان ما و خارج از کشورند» و در چرایی آن هم گفت: «برای خروج از انزوا».

نکته بارز دیگر در سخنان وزیر جدید ارشاد اشاره به بودجه ناچیز فرهنگ و هنر نسبت به کل بودجه بود که به گفته او تنها ۴۵ درصد است!

این در حالی است که در سخنان محمد مهدی اسماعیلی وزیر پیشین (در دولت مرحوم ابراهیم رئیسی) نه صحبتی از انزوا به میان آمد و نه بودجه اندک، بلکه به عکس از ۱۷ برابر شدن بودجه به نسبت دولت قبل از خود خبر داد و اینکه اکنون به ۳۶ هزار میلیارد تومان رسیده است.

ترسیم تصویر بهتر از این عدد هنگامی میسر است که بدانیم بودجه سالانه سازمان صداوسیما به عنوان رسانه رسمی و انحصاری سراسری به ۲۴ هزار میلیارد تومان رسیده است.

وزیر سابق از تکلیف برنامه هفتم در اختصاص سهم یکدرصدی بانکها و مؤسسات مشابه به بخش فرهنگ هم خبر داد و معاون اول رئیس جمهوری اظهار امیدواری کرد محقق شود.

اینها در گزارش مراسم هم آمده و این یادداشت بر آن است تا تصریح کند تفاوت نگاه دو وزیر دو دولت و متعلق به دو عصر کاملاً مشهود بود که با اینکه سیدعباس صالحی از لزوم پایان تحقیر و آزار

گفت و وزیر سابق گزارش تحقیر هنرمندان ارائه داد. سال ۱۴۰۰ اسماعیلی وزارت فرهنگ و ارشاد را از صالحی تحویل گرفت تا آن را به وزارتخانه تراز با نگاه ایدئولوژیک و با دخالت دولت در تمام شئون تبدیل کند و حالا باز به همان صالحی تحویل داده در دولتی که معاون اول آن بسیاری از کمک‌ها را هم مصداق مداخله می‌داند بر خوردها و مواجعه‌ها که جای خود دارد. وزیر جدید یادآور شد: «مشارکت اصحاب فرهنگ و هنر در مناسبات دولت و مستلزم توجه به حقوق آنهاست. تحقیر، اهل فرهنگ و هنر را می‌آزارد چه رسد به زجر و آزار آنان».

نه معاون اول رئیس جمهوری و نه وزیر جدید البته اتهامی را متوجه دولت و وزیر سابق نکردند اما همین اشارات نشان می‌داد قرار نیست و نباید و نمی‌تواند آن روند ادامه یابد و اگر چه وزیران سابق هم منهای سه تن - سیدمحمد خاتمی، سیدعطاءالله مهاجرانی و علی لاریجانی - روی سرن رفتند اما از فحوی کلام سیدعباس صالحی به شکل محسوسی می‌شد دریافت که تغییر روند پیشین اجتناب‌ناپذیر است و ادامه آن منتها ما را به مقصد نمی‌رساند که روزبه‌روز از هدف سندان چشم‌انداز دورتر و نسل جدید را در برهوت بی‌هویتی رهاتر می‌کند. این تغییر در وهله اول در نگاه است و اظهار خرسندی کرد که بار دیگر مانند دوران معاونت اول مرحوم حسن حبیبی یک چهره علمی و فرهنگی در این جایگاه قرار گرفته و در مرتبه بعد از ضرورت توجه به تغییرات نسلی، جنسیتی، فناوری و اقتضانات زمانه گفت.

جان کلام اما همان تأکید بر تحقیر و انزوا بود، اینکه به جای آزار رساندن به کسانی که به جنبه‌های زیبایی‌شناختی هنر توجه دارند و نمی‌خواهند در خدمت دستگاه تبلیغاتی باشند و به جای آن فرآورده‌های فکری و مستقل خود را در قالب‌های مختلف با جامعه هرسانی می‌کنند باید از آنان استمداد طلبید تا از این انزوا خارج شویم.

اهدای لوح و تابلوی فرش و عنوان «تکریم» به جای «تودیع» حاشیه‌بود و تعارف. اصل قصه همان است که گفته شد.

دچار انزوییم و باید از انزوا خارج شویم و این امر با یاری اهل فرهنگ و هنر میسر است. آزار و تحقیر صاحبان فکر و هنر نکوهیده است به هر بهانه و ذیل هر عنوان و ادعا.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۰۲۱۴۹۳۰۸۸۷۴۹۳ • تحریریه: ۰۲۹۱۸۸۷۳۰۸۸۷۳ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



وزیر جدید در معارفه خود از اهالی فرهنگ و هنریاری خواست

انزوای ایران را پایان دهیم



نرگس کیانی
خبرنگار گروه فرهنگ

آیین تکریم و معارفه وزرای پیشین و جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی عصر روز دوشنبه ۱۹ شهریورماه از ساعت ۱۵ حضور محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، همچنین جمعی گسترده از اهالی فرهنگ و هنر در تالار وحدت برگزار شد. از جمله حاضران در این مراسم، جمعی از وزرای پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ مصطفی میرسلیم، احمد مسجدجامعی، محمدحسین صفارهرندی، سیدمحمدحسینی و علی جنتی بودند.

وزار تخانه‌ای برای «از ساز تا نماز»

نخستین سخنران این مراسم که با اجرای زنده سرود ملی جمهوری اسلامی ایران و قرار گرفتن حسن سلطانی، مجری قدیمی صداوسیما پشت تریبون آغاز شد، محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم بود. اسماعیلی با بیان این که خداحافظی از حوزه فرهنگ و هنر معنایی ندارد افزود، او که به گفته خودش با اتکا به اعتماد رئیس‌جمهور شهید تاجکون افتخار خدمت داشته است، زین‌پس نیز به‌عنوان عضو کوچک در خدمت اهالی فرهنگ‌و‌هنر خواهد بود. او با اشاره به انتخاب‌شدن از سوی رئیس‌جمهور فقید به‌عنوان «دبیر هماهنگی فعالیت‌های فرهنگی دولت»، این سیستم را در شکل‌دهی به حرکتی هم‌افزاد در حوزه فرهنگ و هنر مؤثر دانست. اسماعیلی با بیان این که یکی دیگر از اقتضانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بحث بودجه است، از افزودن شدن یک درصد موظفی به مسئولیت بانکها و شرکت‌های دولتی در قبال حوزه فرهنگ و هنر در برنامه هفتم توسعه گفت که طبق اظهار نظر او موجب قرار گرفتن ۲۶ هزار میلیارد تومان در اختیار مجموعه‌های فرهنگی کشور شده است. او همچنین مدعی شد، بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از روزی که تحویل داده شده است، امروز که آن را تحویل می‌دهد ۱۷ برابر افزایش داده است.

اسماعیلی در بخشی دیگر از سخنرانی خود اشاره کرد، اندیشه فرهنگی رئیس‌جمهور فقید و دولت او با آن چه «اباحه‌گری» خواند، خط‌فاصل روشنی دارد، او همچنین از اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ با عنوان «افتنه فرهنگی» یاد و تأکید کرد با وجود تمام این‌ها ما پرشکوه‌ترین دوران تاریخی فرهنگ‌و‌هنر را پشت سر گذاشتیم. اسماعیلی پس از آن که با طولانی شدن صحبت‌هایش تذکر کتبی گرفت، با کوتاه کردن اظهاراتش و با بیان این که از بخشی از حرف‌هایش چشم‌پوشی می‌کند، سخنرانی خود را با نقل قولی از محمدحسین صفارهرندی تمام کرد که گفته بود، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی حوزه‌ای گسترده از ساز تا نماز است.

فرهنگ و هنر؛ اسب تیز روی خروج از انزوا

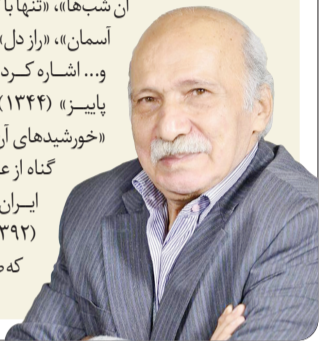
با پایان صحبت‌های محمد مهدی اسماعیلی، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت چهاردهم پشت تریبون قرار گرفت و صحبت‌های خود را با خوشامدگویی به حاضران و خیرمقدم‌گویی ویژه به محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور آغاز کرد و با قدردانی از حضور وزرای پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: «من در این جا قصد اعلام برنامه ندارم و معتقدم حق بود در این نشست، بزرگان هنر سخن بگویند و من شنونده باشم اما بر حسب اوقات محدود معاون اول رئیس‌جمهور، این جلسه با عرض یوزر به صورت یک‌طرفه برگزار می‌شود ولی این قول را می‌دهم که در جلسه‌ای صمیمانه با حضور رئیس‌جمهور و معاون اول شان، شنونده سخنان اصحاب فرهنگ و هنر باشیم.» او در ادامه سخنان خود دورسالت برای دولت چهاردهم قائل شد و توضیح داد: «دولت چهاردهم دورسالت بزرگ دارد و اگر بتواند در این مسیر گام‌های جدی بردارد، به توفیق نزدیک شده است. رسالت اول، رسالتی ملی است و راهکارش پیروی از راهبرد وفای رسالت دوم، مبارزه با انزوای ایران در سطح بین‌المللی است. دورسالتی که به عقیده من وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند پیش‌ران تحقق آن باشد.» او با بیان این که گفت‌وگوئی شامل سه ضلع است؛ ضلع اول آن را ایجاد وفای در داخل قوه مجریه، ضلع دوم را ایجاد وفای میان دولت و حاکمیت و ضلع سوم را ایجاد وفای میان دولت و ملت دانست. صالحی افزود، وزارت فرهنگ

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریاچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمدزیدآبادی
• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • امید عرب (مدیر آنلاین)
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه منقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

چهره

نام تو نمی‌میرد

۱۹ شهریورماه ۱۴۰۳، علیرضا طبایی، شاعر، ترانه‌سرا، روزنامه‌نگار و منتقد ادبی اهل شیراز در ۸۰ سالگی در تهران درگذشت. طبایی از جوانی دستی بر قلم داشت و اولین شعرش را در سال ۱۳۳۷ در مجله «سپید و سیاه» منتشر کرد. بعدتر نیز آثارش در مجلاتی چون سخن، نگین، فردوسی، رودکی، تهران‌صور، امید ایران، روشنفکر، زن روز، اطلاعات بانوان، کیهان، پیغام امروز و... به چاپ رسید. طبایی در دهه ۱۳۵۰، در دانشکده هنرهای دراماتیک نمایشنامه‌نویسی خواند و از همان سال‌ها به ترانه‌سرایی نیز روی آورد. از مشهورترین ترانه‌ها می‌توان به «طلسم آرزوها»، «کوچه معیاد»، «گل محبت»، «عشق تو نمی‌میرد»، «شهر فرنگه چشمات»، «مرد سرگردان»، «یاد آن شب‌ها»، «تنها با گل‌ها»، «دختر دریاها»، «آسمان آسمان»، «راز دل»، «نگاهم با نگاهت قصه‌ها داره» و... اشاره کرد. مجموعه شعرهای «چوانه‌های پاییز» (۱۳۴۴)، «از نهایت شب» (۱۳۵۰)، «خورشیدهای آن سوی دیوار» (۱۳۶۰)، «شاید گناه از عینک من باشد» (۱۳۸۵)، «مادرم ایران» (۱۳۹۱) و «تندر اما ناگهانی‌تر» (۱۳۹۲) نیز از جمله کتاب‌هایی بودند که طبایی منتشر کرد.



کتابخانه

ایده‌های مذهبی مسیحی در اساطیر

«قرائن مسیحیت در میان یونانیان باستان»، مجموعه‌ای از نوشته‌های سیمون وی، درباره‌ی اندیشه‌ی یونانی است که نشان‌دهنده‌ی دغدغه‌های فکری و معنوی او درباره‌ی این تفکر است. این مطالب برگرفته از دو کتاب «سرچشمه‌ی یونانی» و «شهودات پیشامسیحی» هستند که هر دو پس از مرگ نویسنده منتشر شده‌اند.



قرائن مسیحیت در میان یونانیان باستان
نویسنده: سیمون وی
مترجم: بهزاد حسین‌زاده
انتشارات: نشر نی

مسیح در نگاه سیمون وی حقیقتی تا ابد جاری است، نه پدیده‌ای تاریخی. در این کتاب نویسنده درباره این پرسش که چگونه می‌توان قرائن پدیده‌ای را در عصری مقدم بر آن پدیده جست، پاسخی تفصیلی می‌دهد. سیمون وی جست‌وجوی خداوند از سوی انسان را خطا می‌شمارد و تکیه بر عقل در این جست‌وجو خطایی مضاعف است. در واقع کسی که از طریق جست‌وجوی عقلی صرف در بی یافتن حقیقت باشد و بر این کار اصرار ورزد پیشاپیش اعراض از هدف را برگزیده است. سیمون وی در این کتاب به این موضوع می‌پردازد که چگونه پیش‌درآمد‌های ایده‌های مذهبی مسیحی را می‌توان در اساطیر، ادبیات و فلسفه‌ی یونان یافت.

تاریخ

نبرد کرتسانیسی



نبرد کرتسانیسی نبردی بود که در ۱۷۹۵ میلادی (۱۱۷۴ خورشیدی)، پس از مسالحه قره‌باغ و در منطقه کرتسانیسی تفلیس روی داد.

این نبرد میان آقامحمدخان قاجار و ایراکلی دوم، پادشاه کارتلی - کاختی در تفلیس اتفاق افتاد. دلیل درگرفتن این نبرد، شورش در قفقاز بود که از دوره زندیه به بعد خود را تحت‌الحمایه روسیه تزاری می‌دانستند و با آن دولت هم‌پیمان شده بودند. در اواخر تابستان ۱۷۹۵، ارتش ۲۵ هزار نفری ایرانی به فرماندهی آقا محمدخان به شرق گرجستان حمله کرد. شاه ایراکلی توانست تنها ۵ هزار نفر را جمع کند و تصمیم گرفت در نزدیکی پایتخت گرجستان با دشمن روبه‌رو شود. این نبرد سه روز به طول انجامید و در نهایت ارتش گرجی‌ها شکست خورد. پس از پیروزی، ایرانیان تفلیس را تصرف کردند و تا ۹ روز بعد آن را غارت کردند. بدین ترتیب شهر ویران شد و ده‌ها هزار نفر از ساکنان سلاخی یا اسیر شدند. آقامحمدخان نیز هزاران غیرنظامی را سر برید و از سرهای بریده شده مردم مناره ساخت. ۱۵ هزار نفر اسیر نیز به ایران کوچ داده شدند.